

## حمایت از حق مؤلف در قوانین عراق\*

وائل عزت رفعت البکری

ترجمه محمدعلی روحانی دزفولی

### اشاره

عراق از جمله کشورهایی است که در عرصه تولید فکر، نشر و چاپ از دیگر کشورهای منطقه و حتی از بسیاری از کشورهای اسلامی جلوتر بوده است. آمارهای چاپ و نشر کتاب و نشریه در عراق در گذشته نشانگر نقش عراق در بین کشورهای اسلامی و عربی و پیشرفتگی فرهنگی آن است. از این رو لازم است تلاشهای آنها در زمینه کپی‌رایت هم معلوم گردد.

این مقاله به بررسی تاریخ، علل رویکرد، تحولات حقوقی، عوامل فرهنگی و اجتماعی و بالاخره تلاشهای حقوقی و قضایی در زمینه کپی‌رایت در عراق می‌پردازد. چون نویسنده خود از متفکران و نویسندگان عراق است غیر از درگیری فکری و نظری با این موضوع، عملاً هم تجربه‌هایی آموخته و در این نوشتار به خوبی از تفحص و موشکافی بر آمده است. قوت دیگر این مقاله، کشاندن حق مؤلف در میدان روزنامه‌نگاری و تحلیل ابعاد حقوقی روزنامه‌نگاران و چگونگی حمایت از آنها است.

توجه و اهتمام جهانی نسبت به حقوق تألیف و حمایت و پشتیبانی از آن رو به افزایش بوده است. جوامع پیشرفته کنونی به دلیل نقش کپی‌رایت در خلاقیت‌های عقل بشری در عرصه علمی و فرهنگی و زمینه‌سازی برای تعامل با تمدن و فرهنگ‌ها اهمیت فراوان برای آن قائل‌اند. عامل اصلی در تحریک دولتها برای اینکه چنین موضوعی را در برنامه‌های حمایتی خود قرار دهند، همانا پیدایش و گسترش کارهای انتشاراتی و وجود خلاقیت‌های ذهنی روز افزون افراد وابسته به کشورهای مختلف در جهان بوده است. در این خصوص از اعلامیه حقوق جهانی حمایت از حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ توسط سازمان ملل متحد صادر شد، می‌توان یاد کرد. در ماده ۲۷ از بند ۲ آن اینگونه آمده است:

«هر فردی از افراد بشر حق دارد آثار ادبی و علمی و یا فنی خود را جهت مصالح مادی و معنوی تحت حمایت قانون قرار بدهد». به عبارت دیگر توافق‌نامهٔ برن امضا شده در سال ۱۸۸۶ و پیمان‌نامه عمومی دیگری که تحت نظارت سازمان یونسکو، در سال ۱۹۵۲ منعقد شد، به اضافه توافق‌نامه‌های منطقه‌ای و دوجانبه‌ای که توضیح آن خواهد آمد، و با توجه به قوانین کشوری خاصی که در حمایت از حقوق مؤلف در کشورهای تعیین شده از برای این کار در نظر گرفته شده است، همه و همه دلالت بر این موضوع دارند که دربارهٔ حفظ حقوق و پرورش خلاقیت‌های بشری علاقه و اهتمام خاصی وجود دارد. در این میان کشور عراق از جمله کشورهایی است که درباره این موضوع اهمیت ویژه‌ای قائل بوده است. به‌طوری که تا سال ۱۹۷۱ از قانون حق التالیف عثمانی صادره شده در تاریخ آذر ۱۹۱۰ حمایت به عمل آورده است.<sup>۱</sup> این قانون در شمار قدیمی‌ترین و طولانی‌ترین قوانین وضع شده از طرف عثمانی‌ها در عراق است. لکن به دلیل ناقص بودن آن و عدم هماهنگی با سیر تکاملی برنامه‌های عمومی دولت عراق بعد از سال ۱۹۶۸ در رابطه با ترغیب جنبش تألیفات ادبی و علمی و فنی و همچنین در ارتباط با بزرگداشت متفکرین و محققین و هنرمندان و حمایت از آنها و ایجاد راه‌های قانونی در زمینه آثارشان، ناچار به وضع قانون جدیدی در این خصوص زیر عنوان قانون «حمایت حق مؤلف» در سال ۱۹۷۱ شد.<sup>۲</sup> قانونگذار عراقی در وضع احکام قانونی خود از قانون خاص مصری‌ها در زمینهٔ حمایت از حقوق مؤلف بهره گرفته است. این قانون در سال ۱۹۵۴ با هدف حمایت از حقوق مؤلف صادر شد و بیشتر مواد آن برگرفته از قانون فرانسوی است که نمونه بارزی از پیشرفته‌ترین قانون‌های حمایت از حقوق مؤلف<sup>۳</sup> در دنیا است.<sup>۴</sup> نویسنده مایل است به این مطلب اشاره داشته باشد که فرانسه از جمله کشورهایی است که در زمینه توسعه این حقوق پیش قدم بوده و از آن حمایت کرده است. زیرا وضع این قانون پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۹۱ بوده است و طولی نکشید تا مورد توجه بیشتر کشورها قرار گرفت. قبل از شروع در موضوع مورد بحث، باید بگوییم به علت ویژگی‌های خاصی که در این قانون وجود داشت و تا امروز به حال خود باقی است توجه پژوهشگران و متخصصین و کسانی که در این موضوع و در کشورهای مختلف نیز مسئولیتی را برعهده داشتند و همچنین سازمانهای دولتی وابسته به این نهاد به این امر معطوف شد، و در صدد تقویت و فراگیر کردن آن برآمدند. بنا بر این پژوهشگر در بررسی‌های تحقیقی خود به جوانب مختلف و مبانی این حقوق و نحوه حمایت از آن و تمامی مسائل جانبی به آن در قوانین عراق آگاهی پیدا خواهد کرد. از اینرو بررسی‌های این مقاله فقط در محدودهٔ قوانین عراقی و موضوع حقوق حمایت از تألیف در عرصه مطبوعات است.

## موارد مورد حمایت

قبل از شروع به نوشتن طرحی در مخیله نویسنده شکل می‌گیرد و باعث پیدایش انگیزه نگارش در او می‌شود. این طرح به منزله پایه و اساس کار نویسنده و در واقع شکل‌گیری خلاقیت‌های ذهنی او است که پس از فعل و انفعالات مختلف به تألیف تبدیل می‌شود. بنا بر این از نظر قانون تا زمانی که تألیف در مراحل اولیه و به صورت ذهنیت در مخیله نویسنده موجود است، هیچ‌گونه مالکیتی را برای صاحب آن ایجاد نمی‌کند و زیر حمایت قرار نمی‌گیرد. لکن به مجرد اینکه در قالب کتاب یا آثار دیگری درآمد که به صورت ملموس می‌توانند در دسترس همگان قرار بگیرد، از حق حمایت برخوردار خواهد شد. از نظر قانون‌گذار عراقی همه کارهایی که زیر عنوان تألیف قرار دارند و می‌توانند به اشکال مختلفی بروز کنند، تحت حمایت قانون موسوم به «المصنف» قرار بگیرند.

طبق قانون عراقی مصنفاتی که مورد حمایت قرار می‌گیرند، محدود هستند و می‌بایست تحت یکی از عناوین شناخته شده مانند کتاب، صدا، نقاشی، عکس یا به صورت حرکات بوده باشد. و بنابر توضیحی که در ماده ۲ از این قانون وجود دارد، این مصنفات عبارت است از:

- ۱- دست نوشته‌ها.
- ۲- مصنفات شفاهی مانند سخنرانی‌ها و همایش‌های علمی و تدریس و غیره
- ۳- مصنفات تحت عنوانی مانند نقاشی و تصویربرداری و رنگ‌آمیزی و حفاری و یا ساختمان‌سازی
- ۴- مصنفات نمایش یا نمایش توأم با موسیقی
- ۵- مصنفاتی که به نوعی از حرکات فنی و یا راه رفتن‌های خاصی منجر بشود که در نهایت به صورت نوعی نمایش در آید
- ۶- مصنفات موسیقی همراه با الفاظ یا بدون آن
- ۷- مصنفاتی که به صورت فیلم‌برداری متحرک و یا فیلم‌های سینمایی باشد
- ۸- مصنفات آماده پخش از رادیو تلویزیون
- ۹- نقشه‌ها و نوشته‌ها و نمادهای علمی
- ۱۰- قرآن خوانی بلند و آشکار به صورت حرفه‌ای

برای اینکه مصنفات ذکر شده در شرایط مطلوبی از حمایت قرار بگیرد، لازم است که به صورت کار ابتکاری شناخته شود. البته قانون معیارهایی را برای سنجش کارهای ابتکاری از غیر آن معین کرده است تا در صورت لزوم تصمیم گرفته شود عمل انجام شده مبتکرانه یا غیر مبتکرانه است. همچنین طبق ضوابط ذکر شده بالا، عنوان مصنف در صورتی که همراه با عمل ابتکاری باشد، می‌تواند به اعتبار لازم برای کسب حمایت نائل آید.<sup>۵</sup> از طرف دیگر برطبق قانون عراقی پاره‌ای از مصنفات از اصل حمایت استثنا شده‌اند.<sup>۶</sup> این موارد اجمالاً عبارت‌اند از:

- ۱- آن دسته از مصنفاتی که به صورت گلچینی از شعر و نثر و موسیقی جمع آوری شده باشد.
- ۲- مصنفاتی که در مالکیت عموم قرار گرفته باشد.
- ۳- مجموعه گردآوری شده‌ای که شامل قوانین و مقررات عمومی و دولت با مفاد همایش‌ها و توافق‌نامه‌های حقوقی و قضائی است.

به نظر می‌رسد علت استثنای این موارد به دلیل وجود ماهیت عام موجود در ذات آنها و جنبه عمومی داشتن آنها است. اگر چه قانونگذار در آخر ماده ذکر شده توضیح می‌دهد همه موارد فوق می‌توانند از حمایت برخوردار شوند.<sup>۷</sup> افزون بر آنچه گفته شد، چنانچه نوشته‌ای نقد شود یا مورد تحلیل قرار بگیرد یا جملاتی از آن را به قصد عرضه اثر فرهنگی به نمایش بگذارد، چنانچه نام مؤلف ذکر شده باشد، بر طبق ماده ۱۴ آئین‌نامه، مؤلف حق ندارد اقدام به جمع‌آوری آن اثر بکند. زیرا این عمل بر خلاف عرف و موازین پژوهش‌های علمی است.

### مؤلف به عنوان موضوع مورد حمایت

از نظر قانون عراقی مؤلف کسی است که نوشته‌ای را منتشر کند که منسوب به او است - چه با نام چه بدون ذکر نام یا از طریق دیگر مگر آنکه دلیلی بر خلاف آن پیدا شود. اسم مستعار نیز شامل این قانون می‌شود به شرط آنکه هیچگونه شکی در مورد شخصیت حقیقی مؤلف پیش نیاید. به مجرد اینکه کار چاپ و نشر شروع شد زمینه اصلی برای ایجاد شخصیتی حقوقی برای مؤلف به وجود می‌آید و وی را تحت حمایت قانون حقوق مؤلف قرار می‌دهد. مبنای آن اعتقاد به درست بودن این اصل است که تراوشات ذهنی فرد با عبارات و تعبیرات مختلف و متنوع به جهتی سوق پیدا می‌کند که می‌تواند نظرات عموم مردم را جلب کند جنبه قانونی پیدا کند. این تعریف بیشتر توجه به مفهوم «عموم» دارد و در نتیجه دچار محدودیت در شخصیت قانونی مؤلف می‌شود. مفروض اینست که مایه‌های اصلی تشکیل دهنده شخصیت حقوقی نزد مؤلف وجود دارد تا بتوان نسبت به حمایت قانونی وی اقدام کرد. دو عنصر اصلی احساس واقعی در تعبیر، قدرت آفرینش و خلاقیت را توضیح خواهیم داد. ناچاریم بگوئیم کلمه تعبیر الزماً بدین معنی نیست که حتماً شخص مؤلف را در نظر بگیریم. زیرا غالباً دیده شده نوشته‌هایی به رشته تحریر در آمده است که یک شخص و گاه افراد متعددی در خلق آن شریک بوده‌اند. این در حالی است که متصدیان کسان دیگری بوده‌اند. مانند: خانه نشر، یا یک مؤسسه، و یا شخص دیگر. حقوقی که میان آنها تقسیم می‌شود بر اساس مشارکت آنها است. قانون مؤلفین اینگونه می‌گوید:

۱- مؤلف مستقل. یعنی مؤلف به تنهایی به کارهای تألیفی اقدام کرده و خودش را تحت حمایت قانون قرار داده است، بدون اینکه دیگری را در کارش شریک کند. مانند نویسنده قصه‌ای یا شاعر یا پژوهشگری که در زمینه‌های مختلف تحقیق می‌کند. در ضمن اسلوب این است که قانون نسبت به متن ترجمه شده و یا موضوع انتخاب شده و یا تلخیص به عمل آمده، حساسیت نشان می‌دهد تا به

اغراض آنها برای قرار گرفتن در زیر چتر حمایت پی ببرد. زیرا ماده ۴ از قانون اشاره می‌کند هر کس متنی را ترجمه یا اعراب‌گذاری بکند یا شرح دهد یا آن را به صورتی غیر از صورت اولیه در آورد، در صورت عدم اخلاص به حقوق مؤلف و مصنف اصلی آن می‌تواند از حمایت قانونی بهره‌مند بشود.

۲- مؤلف کمکی این عبارت یعنی مشارکت شخصی یا اشخاص در تألیف اثر به طوری که حاوی زحمات فکری همه آنها باشد. که این گروه به موجب قانون دو نوع هستند. نوع اول گروه مؤلفینی هستند که کار مشترکی را انجام داده‌اند و نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا کرد. در این مورد آنها توضیحی در قانون آمده است:

هرگاه عده‌ای از اشخاص به صورت گروهی به تألیف اثری پرداختند، به طوری که نتوان آنها را از یکدیگر مجزا کرد، آن تألیف به تمامی آن اشخاص تعلق دارد. به این معنی که کار هر مؤلف جزء جدانشدنی از کار گروهی همان افراد است که به صورت دسته جمعی صاحب آن اثر محسوب می‌شوند. مالک حقوق مربوط به آن خواهند بود.<sup>۸</sup>

نوع دوم: گروه مؤلفینی که کار مشترکی را انجام می‌دهید، ولی می‌توان عمل هر یک را جداگانه مورد بررسی قرار داد. این مورد نیز در ماده ۲۶ قانون به این شرح مورد توجه قرار گرفته است: هرگاه عده‌ای در خلق اثری به صورت گروهی مشارکت داشته باشند، به طوری که بتوان عمل آنها را جداگانه بررسی کرد، به مقدار کار انجام یافته، می‌توان از حقوق مربوط منتفع شود. گاهی فرد اجیر می‌شود تا به تألیف اثری بپردازد، بدون اینکه از کمترین حمایتی برخوردار شود. مثلاً مؤسسه یا شرکتی عده‌ای از مؤلفین را استخدام برای خلق اثری می‌کند این اثر به همان شخص حقیقی و یا حقوقی منسوب است.

بنا بر این همان‌طور که در ماده ۲۷ توضیح داده شد همه حقوق برمی‌گردد به همان فردی که باعث شد تا چنین اثری به وجود بیاید.

۳- خلق آثار فنی به طور طبیعی به کوشش زیاد و تعامل جمعی محتاج است. به همین جهت برای کسانی که در تألیف این آثار دوره‌هم جمع می‌شوند، در قانون بلفظ «شرکاء» یاد شده‌اند همان‌گونه که در ماده ۳۱ آمده است. گروهی که به عنوان شریک می‌توانند در تألیفات آثار سینمایی یا آثار برای پخش از رادیو و تلویزیون قرار بگیرد عبارت‌اند از:

الف) نویسنده فیلم‌نامه یا فردی که به عنوان برنامه‌نویس عمل می‌کند.

ب) کسی که متن ادبی را ویراستاری می‌کند.

ج) مدیر مناظر و میزگرد

د) درهم‌کننده موسیقی و متنی

ه) کارگردان در صورتی که نوعی فعالیت فکری داشته باشد و صرفاً مجری جزء نباشد.

بنا بر این قانونگذار فاصله ایجاد کرده است میان افراد ذکر شده با کسانی مثل هنرپیشگان و فیلمبرداران که نقش اصلی را در تولیدات هنری ایفاء می‌کنند. از اینرو پژوهشگران ملاحظه می‌کنند تطبیق موارد بالا بر اینها از باب توجه به زحمات و نقش سازنده‌اشان در خلق آن اثر است. به خصوص

نسبت به هنرپیشگان اصلی فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی یا برنامه‌های رادیویی. اما تولید کنندگان از نظر قانون ناشران آثار سینمایی یا رادیویی یا تلویزیونی محسوب می‌شوند و برخوردار از آنها از حقوق ناشر مستند به ماده ۳۴ است. همچنین ضمن این تأیید، قانون مربوط به هنرمند [بازیگر] اختصاصاً در مورد تحت پوشش قرار دادن آنها به دلیل تأثیری که در زمینه عرضه اثر و نقش مثبت و سازنده آن در میان مردم دارند، موادی را مورد توجه قرار داده است، از آن جمله ماده ۵ تصریح دارد بر اینکه بازیگر تحت پوشش حمایتی قرار دارد و توضیح می‌دهد بازیگر کسی است که کار فنی را به مردم عرضه می‌کند، خواه این کار وسیلهٔ اجراء یک قطعهٔ موسیقی باشد یا به صورت خواندن قطعهٔ موسیقی یا به صورت آوازهای دسته جمعی و یا تصویر برداری و ایجاد حرکات و راه رفتن‌های مخصوص یا به هر طریق دیگر.

### محدودهٔ حقوق تألیف

همهٔ این حقوق متعلق به آثاری که از ذهن مؤلف نشأت یافته است و در حقیقت حاصل و ثمرهٔ تلاش و خلاقیتی منسوب به او است. از زمانی این تلاش به صورت یک نوزاد تازه تولد یافته از مراحل ذهنی پا به عرصه وجود گذاشت تحت هر عنوان که باشد، دارای قابلیت استفاده از حقوق ذکر شده است. لکن قبل از هر چیز باید پرسید اولاً ماهیت و طبیعت این حقوق چیست؟ خیلی مختصر می‌گوئیم که، حقوق مبتکران از جملهٔ حقوقی است که به تازگی در چارچوب قانون وارد شده است و اهمیت آن در نتیجهٔ پیشرفت علم و آداب و فنون و پیشرفت وسائل و انتقال آنها به مردم شکل گرفت. بنا بر این به دلیل نبودن فهم کافی در شناخت آن، تعریف جامعی یافت نمی‌شود. که حکایت از استقرار آراء مختلف در شناخت طبیعت و ماهیت این حقوق داشته باشد. آنچه در این اختلاف رای می‌تواند سهیم باشد، مسأله تبیین در انتزاعات فکری و پیدایش نظریه‌های علمی متفاوت است که سبب شده نسبت به ماهیت حقوق مؤلف نظرات متباین از یکدیگر عرضه کنند. این خود بر می‌گردد به اوضاع فکری جامعه و خصوصیتی که در خود انتزاع وجود دارد.<sup>۱</sup>

بارزترین مکتب‌ها در این زمینه دو مکتب مشهوری هستند که اولی با عنوان «یگانگی حق مؤلف» و دومی با عنوان «دوگانگی حق مؤلف» نظریه‌های خود را عرضه کرده‌اند. در مکتب اولی به این موضوع اشاره شده است که طبیعت این حقوق چه از جنبهٔ معنوی چه از جنبهٔ مالی واحد است. اما مکتب دوم به این اصل پای بند است که این حقوق بر دو نوع می‌باشد و هر کدام مستقل از دیگری عمل می‌کند، که همانا عبارتند از حق مالی و حق معنوی. حق معنوی به شخص مؤلف متعلق است به دلیل اینکه محصول فکر او بوده است و وی خالق آن است، در حالیکه حق مالی مؤلف صرفاً حکایت از سلسله بار مالی دارد و از شخص مؤلف جدا است. بنا بر این فکر مؤلف به صورت اثر در عالم وجود تحقق پیدا می‌کند و این نوع وابستگی در حقیقت مورد پذیرش و قبول تفکر قانونی معاصر قرار

می‌گیرد. به طوریکه بعضاً بر این عقیده هستند که بگویند در فرهنگ معاصر برای توضیح چگونگی این حق از چنین تعریفی استفاده کنید که نوع خاصی است دارای طبیعتی دوگانه که میان دو حق مختلف را جمع کرده است.<sup>۱۰</sup>

از دیدگاه قانونگذار عراقی حق مؤلف در حقیقت همان سرمایه معنوی است. می‌باشد که بر چیز غیر مادی اطلاق می‌شود.<sup>۱۱</sup> بنا بر این مراد از حق در اینجا همان حق معنوی است، مگر اینکه قانونگذار یاد شده هنگام توضیح قانون حقوق مؤلف در برخورد با آن نوعی تساهل به خرج داده است. زیرا آن را به عنوان طبیعت دوگانه لحاظ کرده که حاوی دو حق معنوی و مادی است و همان‌گونه که در ماده ۷ قانون مذکور ذکر شده، تصریح دارد بر اینکه از جمله حقوق مؤلف تعیین کیفیت نشر و نحوه بیان آن است. همچنین حق برخورداری از منافع حاصل از انتشار اثر خود به هر صورتی که مایل باشد، البته با قید مشروعیت. همچنین ممنوعیت دیگران از چاپ و نشر یا هرگونه تغییری که بدون اذن مؤلف و یا وکلای او باشد. بر اساس آنچه گذشت این حقوق را از نظر قانون مؤلف در دو بخش توضیح می‌دهم:

**حقوق معنوی یا ادبی:** عبارت از حقوقی است که به شخصیت مؤلف متصل است و هیچگونه دخل و تصرفی بدون اجازه در آن جایز نیست، زیرا این حق هر انسانی است که بیندیشد و ابتکار داشته باشد و تولید کند. بنا بر این خیلی طبیعی به نظر می‌رسد که این پدیده ذهنی را به منزله شکل دهنده شخصیت مؤلف قلمداد کنیم، و بگوییم به مجرد اینکه افکار شخص به عرصه وجود پا گذاشت، این حقوق نیز با آن به دنیا می‌آید. این حقوق عبارت است از:

الف) حق بیان چگونگی نشر اثر. همان‌طور که در مقدمه این حقوق ذکر خواهد شد آن هم به دلیل اینکه خود این مقدمه مستلزم حقوق دیگری است، این حق به شخص مؤلف ربط است و به او اجازه بیان چگونگی نشر آثار ذهنی خود و مکان و راههای داده‌های آن را می‌دهد. همچنان که در ماده ۷ ذکر شده در بالا، به آن اشاره شد. اما در صورت فوت مؤلف قبل از انتشار اثر این حق به وارثان منتقل می‌شد. تصریح ماده ۱۸ قانون اینگونه است:

وارثین مؤلف محق هستند در توزیع و نشر آثاری که در زمان حیات مؤلف فرصت چاپ و نشر برای آنها پیدا نشد. البته مادامی که مؤلف به چیز دیگری که در زمان حیات وصیت نکرده باشد. مثلاً چنانچه زمان معینی را برای نشر در نظر گرفته باشد، نمی‌توان قبل از فرارسیدن آن مباشرت به چاپ کرد.

ب) وجود نوعی حق میان اثر و مؤلف و حمایت از اثر در مقابل تجاوزهای احتمالی. این حق مؤلف عبارت است از اینکه اثری که به وجود آمده، نتیجه تولید و خلاقیت فکری وی بوده است و حاصل اسم واقعی و یا اسامی مستعار او است. بنا بر این لازم است بر مؤلف که نسبت به این حق پیگیری کند و به حقیقت آن واقف بشود. قانون عراقی نیز ضمن ماده ۱۰ تأکید کرده و اشاره می‌کند مؤلف حق دارد آنچه تألیف کرده است، به خود یا به هر شخص دیگری که قائم مقام او باشد، واگذار کند و جلوی هرگونه سوء استفاده از آن را بگیرد. همچنین حق دارد که از هرگونه حذف و تغییر در اثر خود

جلوگیری کند. اما در صورتی که این حذف و اضافه با ذکر نام و عنوان باشد، مؤلف حق هیچ‌گونه اعتراضی را ندارد، مگر اینکه مترجم در ذکر موارد حذف و پیرایش دچار غفلت شده باشد یا اینکه نحوه ترجمه طوری باشد که به آوازه شهرت مؤلف لطمه وارد کند از آنچه ذکر شده روشن می‌شود برای مؤلف در این مواقع دو حق اساسی به وجود می‌آید که عبارتند از نسبت دادن اثر به خودش و سپس جلوگیری از هرگونه سوء استفاده از آن یا از طریق وکیل مانند وراث خودش یا از طریق کسانی مثل ناشر که در جهت کارهای چاپ و نشر طرف قرارداد او هستند. در مورد اینها فقط حق مقابله با تزویر و مخدوش کردن اثر محفوظ است، اما چنانچه مصنف دارای اسم مستعار باشد، وضع چگونه خواهد بود؟ در پاسخ به این سؤال اشاره می‌کنیم به ماده ۱ از بند ۲ که قبلاً راجع به آن بحث و گفته شد به موجب این قانون، شخصی که اثری را چاپ و منتشر می‌کند، هرچند با نام مستعار باشد، مؤلف محسوب می‌شود و تحت حمایت قرار می‌گیرد. ولی مشروط به اینکه هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در حقیقت شخصی او وجود نداشته باشد. در این حالت قانونگذار وجود نوعی اجازه را از طرف مؤلف به ناشر فرض کرده است. این طبق حکم ماده ۲۸ است که تصریح دارد بر اینکه آثاری که دارای نام مستعار می‌باشند، مؤلف ناچار است به ناشر اجازه دهد نسبت به موارد قانونی احترام بگذارد. و این بدین معنی است که مؤلف در مورد شخصیت خود و اسم‌هائی که دارد، به صورت قرارداد به اطلاع ناشر برساند. این عمل عادتاً به وسیله نوعی قرارداد که به نام قرارداد نشر<sup>۱۲</sup> شناخته می‌شود، میان نویسنده و ناشر منعقد می‌شود.

ج) حق ویرایش نوشتار: مؤلف پس از نشر اثر تألیفی خود ممکن است بر اثر پاره‌ای تحریکات فکری ناچار به مراجعه مجدد به نوشته و ایجاد بعضی ویرایش‌ها در آن بشود، خواه این ویرایش‌ها ساده و یا پیچیده باشد. به هر حال به وضعیت نویسنده و طرز تفکر وی و نوع وابستگی‌های اجتماعی او بستگی پیدا می‌کند. در این خصوص مؤلف قانوناً می‌تواند از این حق در جهت احترام نوشته‌اش و اعتبار آن بین مردم استفاده کند. در این مورد به ماده ۴۳ استناد شده است که در آن تصریح می‌کند مؤلف می‌تواند شخصاً در صورتی که احساس کند نوشته او خطری برای ادبیات کشور ایجاد کرده است، به دادگاه بدوی مراجعه کند و تقاضای جمع‌آوری آن نوشته را بکند تا از وجود بعضی تصرفات ناشیانه و اساسی در امان بماند. هرچند این عمل باعث تصرف در حقوق انتفاع مالی بشود، در این صورت مؤلف موظف به جابه‌جائی آن کسی است که از حقوق مالی منتفع می‌شود البته این تغییر باید عادلانه باشد و از ناحیه دادگاه تعیین شده باشد این به معنای وجود کامل شروط چهارگانه لازم برای احقاق این حق می‌باشد.

۱- اینکه پس از نشر اثر مسائل خطرناک ادبی به وجود بیاید. به طوری که مؤلف ناچار به جمع‌آوری اثر خویش شود تا از پخش آن جلوگیری کند.



۲- نوشته یا اثر در میان عامه مردم پخش شده باشد یا اینکه نزد ناشر باشد و هنوز در معرض توزیع و فروش قرار نگرفته باشد در این صورت برگرداندن آن آسان‌تر از زمانی است که اثر و یا نوشته در نزد عامه مردم قرار می‌گیرد.

۳- دادگاه حکم به برگرداندن اثر و نوشته داده باشد.

۴- جابه‌جا کردن کسی که حقوق انتفاع مالی به او بر می‌گردد، در ازاء ضرری که از ناحیه جمع آوری اثر متوجه او خواهد شد.

**حقوق مالی:** حق مالی همان حق دومی است که از ناحیه عینیت یافتن تفکرات به مؤلف تعلق پیدا می‌کند. از این حق به رابطه مالی موجود میان صاحب ابتکار و آنچه به عنوان تراوشات ذهنی وی در شکل علمی، ادبی یا فنی است، تعبیر می‌شود که از نظر رعایت اصول عدل و انصاف نیز، دادن فرصت به صاحبان آثار علمی برای رسیدن به درآمدهای مالی به دست آمده از فکر و اندیشه‌شان امر پسندیده‌ای است. زیرا صاحب اندیشه از این طریق خواهد توانست از ثمره خلاقیت‌های ذهنی خود استفاده مالی بکند.<sup>۱۳</sup> تمایز این حق بدین گونه است:

الف) حقی بازدارنده است. به عبارت دیگر برپایی این حق متعلق است به شخص مؤلف در نگهداری از نوشته خود و به همان روشی که خودش اختیار و هزینه کرده است او می‌تواند دیگران را از به کاربردن این حق تا زمانی که اجازه‌ای از طرف وی صادر نشده است، منع کند. پس از فوت مؤلف این حق برای وارثان وجود دارد که به صورت مباشر از جمیع حقوق مالی که در اختیار مورث آنها بوده، استفاده کنند. تمام اینها به مقتضای ماده ۱۹ است که توضیح داده است وارثین مؤلف شخصاً حق دارند از جمیع حقوق مادی وی بهره ببرند.

ب) حق موقت و زمانمند است. یعنی از مدت زمانی نهایت‌دار و دارای موعده معین برخوردار است. در این زمینه قانون عراقی مدت زمان برخورداری از حمایت را در مورد این حق بیست و پنج سال تعیین کرده است. توضیح بیشتر را در ضمن ماده ۲۰ ملاحظه می‌کنیم که تصریح دارد (بدون وارد کردن اخلاف به حکم ماده نهم از این قانون) حقوق انتفاع مالی تصریح شده به آن ضمن مواد هفتم و هشتم و دهم پس از سپری شدن بیست و پنج سال از وفات مؤلف پایان می‌پذیرد، در صورتی که مدت حمایت در مجموع کمتر از پنجاه سال از تاریخ تألیف آن نوشته نباشد. با اینکه در مورد آثار سینمایی و عکسبرداری که صرفاً به عنوان وسیله‌ای جهت نمایش مناظر از آنها استفاده می‌شود، با گذشت پنج سال این حقوق نیز از بین خواهد رفت مبدأ محاسبه نیز از تاریخ نمایش یا نشر آن اثر شروع می‌شود. و اما آثاری که به صورت اشتراکی وجود دارند، مدتی که برای آنها در نظر گرفته شده از تاریخ وفات آخرین نفری است که از شرکاء باقی مانده باشد. چنانچه صاحب حق شخصیتی حقوقی داشته باشد، چه عام باشد چه خاص، پس از گذشت سی سال از تاریخ اولین دوره نشر اثر محاسبه و به اتمام خواهد

رسید. اما در حالتی که چاپ و انتشار اثری برای اولین مرتبه و پس از فوت مؤلف آن باشد، مدت حمایت از تاریخ وفات محاسبه می‌شود که این امر به ماده ۲۲ مستند است. بنا بر این از تمام آنچه گفته شد، آشکار می‌شود این حقوق بر پایه آنچه می‌آید، استوار است. بهره بردن مؤلف از آثار خود به صورت‌های گوناگون مانند چاپ، اشاعه و نمایش از جمله حقوق تعیین شده برای وی است. همچنین برای دیگران نیز این حق در نظر گرفته شده است. مثلاً حق انتشار اثر (چاپ اول) چنانچه به صورت کتاب باشد، و به مجرد اینکه در دسترس عمومی قرار گرفت، جزء منشورات مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد. کما اینکه در این مورد ماده ۴ توضیح بیشتری داده است. به این معنی که از زمانی که کار توزیع و عرضه آن در کتابفروشی شروع شد. خوب است در این مورد اشاره داشته باشیم به اینکه چنانچه کتابی که منتشر شده، دارای اجزاء مختلفی باشد و به صورت جدا از هم و در زمان‌های متفاوت از یکدیگر توزیع شده باشد، در این صورت هر جزئی مستقلاً به عنوان یک کتاب تلقی خواهد شد. ابتدای زمان در نظر گرفته شده برای آن نیز همان تاریخ نشر آن است. دیگر حقوق مؤلف عبارتند از:

- حق تجدید چاپ در نوبت‌های جداگانه

- حق ترجمه اثر به زبان‌های دیگر و نشر آن

- حق مؤلف در مجاز بودن به عرضه اثر خود به صورت نمایش یا موسیقی به صورت علنی یا انتقال آن به عامه مردم به هر طریقی که ممکن باشد.

- حق مؤلف در ایراد نطق ادبی و پرداختن به اثر خود از این طریق یا به صورت اجراء نمایش برای مردم و اینکه مجاز به این عمل است.

- حق مؤلف در بهره‌برداری از کارهای خود که به صورت جزوه‌هایی برای برنامه‌های رادیو و تلویزیون یا موارد دیگری مانند موسیقی و صداگذاری روی کاست و غیر آن درآمده باشد.

- حق بهره‌برداری از نشر آن در روزنامه‌ها، هفته‌نامه، ماه‌نامه، و سال‌نامه‌های مختلف

### حمایت از حقوق تألیف

تشکیلات حمایت‌کننده از حق مؤلف - که در گذشته راجع به آن بحث گردید - فلسفه اصلی‌اش حرکت در جهت حفظ و حراست از دست آوردها و خلاقیت‌های ذهنی و خدمت به فرهنگ مملکت است. هیچ‌گونه رشد و شکوفائی به وجود نمی‌آید، مگر اینکه مبتکرین و اندیشمندان به این واقعیت پی‌ببرند که از حمایت‌های گسترده‌ای در زمینه خلاقیت‌هایشان برخوردار می‌باشند. در همین رابطه قانون عراقی حمایت از مؤلف عهده‌دار وسائل لازم جهت حمایت حقوق مؤلف از تعدی‌ها شده است. نظام قضائی به عنوان نماینده و مدافع در دادگستری‌ها نقش اصلی را در جلوگیری از تخلفات از این حقوق انجام می‌دهد. این حمایت در دو قالب اصلی شکل گرفته است که عبارت‌اند از:

۱- حمایت مدنی: در این بخش تاکید شده که پرداخت غرامت انجام پذیرد. در این زمینه از قانون مدنی عراقی مربوط به سال ۱۹۵۱ به عنوان مرجع مسؤول استفاده می‌شود که اجازه داده است در صورت وجود خسارت ادبی، ضمن مسؤول بودن در قبال اعمال شخصی از نوعی عوض و جایگزینی برخوردار شود. کما اینکه در بند ۱ از ماده ۲۰۵ تصریح شده است حق تعویض ضرر ادبی و همچنین هر نوع تجاوز به دیگران، از قبیل تجاوز به آزادی، تجاوز به ناموس و شرف و حیثیت اجتماعی یا به اعتبار مالی وی باشد، متجاوز مسؤول پرداخت خسارت خواهد بود. به همین دلیل قانون حمایت از حق مؤلف منصوب به سال ۱۹۷۱ که در مورد حق تعویض تاکید کرده و به حسب آنچه که ماده ۴۴ آن وارد شده و تصریح کرده است هرگاه به حقی از حقوق مؤلف که در این قانون بیان شده است، تجاوزی صورت گیرد، حق دارد در مقابل آن عوض مناسب دریافت نماید. لکن قانون در زمینه مقدار تعویض سکوت کرده و این امر را به دادگاه صالح واگذار کرده است تا بتوانند در شرائط مقتضی تصمیم‌گیری کنند، جز اینکه در تمام حالات تعویض نیز مبلغی را که دادگاه به آن رای داده، برای مؤلف متضرر به عنوان دین ممتاز تلقی می‌شود.<sup>۱۴</sup>

بنا بر این مشکلات متعدد در مسأله تعویض وجود دارد و پژوهشگران باید بر اساس تجربه‌ها و مبانی حقوقی به بررسی آنها پردازند. زیرا بدلیل اهمیتی که برای تعیین خسارت و تأمین جنبه مالی حق مؤلف وجود دارد، وقت کافی برای بررسی هست. برخی از وجوه و ابعاد آن اجمالاً اینگونه است:

الف) جایگاه علمی و فرهنگی مؤلف در زمینه‌ای که فعالیت دارد و نحوه برخورداری از موقعیت شغلی مانند مشهور بودن، مورد احترام بودن در نزد عامه مردم.

ب) چگونگی تجاوز و میزان آن. زیرا مقوله تجاوز در حالات مختلف دارای تعاریف خاص است. بنا بر این طبیعی است ضرری بر مؤلف وارد شده است. یعنی به اعتبار شخصی او که منتزع از احترام و آبرویی است که در بین مردم دارا می‌باشد، لطمه وارد کرده است. پس بدون شک می‌توان گفت حجم ضرر در حق مؤلف از این ناحیه بسیار سنگین است. بنا بر این تعویض در چنین حالتی باید دارای امتیاز خاصی باشد. زیرا این عمل با هدف تخفیف آلام روحی وی صورت می‌گیرد.

ج) قیمت قراردادی اثر که از خلال نوعیت و چگونگی موجودیت آن مشخص می‌شود. بنا بر این هر قدر که آن اثر از نظر مضمونی و ابتکاری در سطح بالایی باشد، تعویضی که به جبران خسارت وارده به آن صورت می‌گیرد نیز باید متمایز باشد.

۲- حرکتی که در جهت هتک حرمت حقوق مؤلف می‌گیرد، در تمامی صور و اشکال خود نوعی تجاوز عهده‌ی به ارزش‌ها و مبادی اخلاقی و فرهنگی و تعامل موجود میان انسانها با یکدیگر در زمینه فکری و عقیدتی است و رونویسی از اثر و نوشته (تقلید) از مهمترین موارد فعل مجرمانه در این زمینه به حساب می‌آید. و به همین دلیل قانون‌گذار عراقی ارتکاب این عمل را مجرمانه فرض کرده است و

مجازات قانونی در پی خواهد داشت. اگر چه موضوع بحث قانون مؤلف است، لکن تعریف دقیقی از این جرم به دست نیامده است تا نسبت به حد و حدود جرائم انجام شده و شناخت آنها آگاهی پیدا کنیم. به جز موردی که در قانون مجازات‌های عراقی مصوبه سال ۱۹۶۹ جزء جرائم تزویری<sup>۱۵</sup> به حساب آمده است. بر طبق ماده ۲۸۷ تزویر مادی به صورت یکی از راه‌های زیر انجام می‌شود: انجام گرفتن هرگونه تغییر مانند حذف یا تعدیل یا غیر اینها مانند رونویسی، زیرنویسی و کپی‌برداری که ثابت کند تغییر صورت گرفته است. نیز تصنعی بودن نوشته یا تقلبی بودن آن در پرتو این تفسیر است. ضمن ماده ۴۵ از قانون حمایت مؤلف آمده آنچه موجب می‌شود تقلید جرم محسوب شود، این ماده اینگونه است:

الف) کسی که تعدی کند. در موارد ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰<sup>۱۶</sup> که قبلاً ذکر آن گذشت به آن تصریح شده است. این بدین معنا است که قانونگذار عراقی کلیه حقوق مشارالیه را ضمن معتبر بودن این مواد قرار داده است در جهت حمایت از آن، هرگونه تجاوزی که علیه آن صورت پذیرد. بنا به منطبق این حکم عمل مجرمانه تلقی می‌شود و مرتکب آن باید مسئولیت قانونی را در مقابل صاحب حق که همان مؤلف می‌باشد، بر عهده بگیرد.

ب) کسی که آثار هنری دیگری را نسخه‌برداری کند، به فروش رساند یا در معرض فروش قرار دهد.  
ج) هر کسی که آثار هنری دیگران را بدون اجازه مؤلف آن یا وکلای قانونی وارد عراق کند، در حالی که مشمول قانون حقوق مؤلف باشد.

د) کسی که آثار منتشر شده در خارج را تکثیر و در کشور عراق پخش کند یا به فروش رساند یا از طریق این کشور به سایر نقاط ارسال کند. در این صورت مرتکبین چنین اعمالی به جرمه‌ای که قانون تعیین کرده و در ماده ۴۵ آمده است و مبلغ آن کمتر از ده دینار و بیشتر از صد دینار نخواهد بود، محکوم خواهد شد. در صورت تکرار جرم به مجازات‌هایی مانند زندان برای مدت سه ماه و جریمه نقدی به مبلغ سیصد دینار یا به هر دو آنها محکوم خواهد شد. کما اینکه دادگاه مجاز است در صورت تکرار جرم نسبت به تعطیلی محلی که کارهای نسخه‌برداری در آن انجام می‌گیرد، اقدام کرده و حکم به تعطیلی موقت یا همیشگی آن بدهد. در عین حال دادگاه می‌تواند حکمی را صادر کند که به مصادره کلیه ادوات به‌کار گرفته شده جهت چاپ و نشر غیر قانونی منجر شود که در مخالفت با احکام مواد قانونی ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰ انجام شده است. همچنین لازم است کلیه نسخه‌های استنساخ شده مصادره و جمع‌آوری شود. از طرف دیگر ضمن همین روش قانون اجازه می‌دهد کلیه اثری که به صورت غیر قانونی منتشر شده است، از بین برده شود. البته طبق شرایط معینی که در ماده ۴۷ به آن تصریح شده است. در مقدمه این ماده چنین آمده است دادگاه بدوی بنا به تقاضای صاحب حق مؤلف باید نسبت به معدوم کردن نسخه‌ها و یا تصاویر اثری که به صورت غیر مشروع منتشر شده و سایر موادی اقدام کنند. که در چاپ و نشر آن نیز بوده‌اند. مگر اینکه تشخیص داده

شود برای کار دیگری می‌توانند از آن استفاده کنند. قابل ملاحظه است نشر غیر قانونی که در این ماده از آن بسیار یاد شده، عبارت است از اینکه ناشر بدون تحصیل اجازه مؤلف عمداً به انتشار اثر اقدام کند، به گمان اینکه در این کار مجاز بوده است. و در واقع به استعمال حق ادبی پرداخته که فقط برای مؤلف جایز بوده است جایز نیست که گرفتن موافقت نشر ضمنی باشد. بلکه لازم است صریح و به صورت کتبی تنظیم شود.<sup>۱۷</sup>

### مرکز امانات

همان‌طور که در بخش‌های قبل توضیح دادیم، قانونگذار عراقی تأسیس مرکزی را پیش‌بینی کرده است که ناشران کتاب و نشریات موظف‌اند، نسخه‌هایی از کارهای خود را به آنجا بفرستند. از طرف دیگر قانون حمایت از حق مؤلف عراقی تأکید کرده است و در ماده شماره ۴۸ خود اشاره می‌کند ناشرین آثار آماده انتشار موظفند در خلال یک ماه پس از تاریخ نشر، پنج نسخه از آن را به کتابخانه ملی به رسم امانت تحویل دهند. از آنجائی که این موضوع دارای اهمیت خاصی بود، قانون ویژه‌ای برای آن وضع شد که به نام قانون امانات به شماره ۳۷ مصوبه سال ۱۹۷۰ مرسوم است. این امر با هدف راه‌اندازی مرکز امانی برای انواع مطبوعات و با هدف حفظ و نگهداری آثار علمی و ادبی و فنی مربوط به عراق و فراهم آوردن کلیه وسائل که در زمینه نگهداری آنها و شناساندنشان به دیگران در سطح داخلی و خارجی صورت گرفت. اما از نظر قانون این مرکز امانات محدود است به کتابخانه ملی در بغداد و مصنفاتی که لازم است به امانت گذاشته شوند، می‌بایست دارای شرایط زیر باشند (ماده ۵):

- ۱- مصنفاتی که چاپ و نشر و تولید آنها در خارج از عراق صورت گرفته است. اما نویسنده آن و مترجمان و ناشران یا تولیدکنندگان‌شان عراقی هستند. (دو نسخه)

۲- تألیفاتی که بیش از یک‌صد نسخه از آن برای چاپ و توزیع آماده نشده باشد. (دو نسخه)

۳- روزنامه‌ها و مجلات. (دو نسخه)

۴- نقشه‌ها و عکس‌ها و اطلس‌های جهانی. (دو نسخه)

۵- رساله‌های چاپ شده دانشگاهی. مسئولیت تحویل دادن رساله به دایره امانات بر عهده نویسنده آن می‌باشد. اما چنانچه این رساله در خارج از عراق تهیه و به دانشگاه ارسال شده باشد، این کار باید از طریق دانشگاه‌ها یا دانشسراها و دانشکده‌های عراقی انجام بگیرد. (یک نسخه)

۶- منشوراتی که در زمینه نت‌های موسیقی و آوازخوانی به چاپ رسیده‌اند. در این مورد ناشر مسؤول تحویل دادن آن است. (یک نسخه)

۷- هر گونه آثار چاپ شده‌ای که از ناحیه مسئولین مربوطه ممنوع اعلام شده باشد. (یک نسخه)

بر طبق توضیحاتی که در موارد ۳ و ۴ وجود دارد، مسئولیت سپردن امانت به عهده شخص حقیقی است که مقام اول را دارا است. مثلاً مدیر چاپخانه مسئول سپردن امانت در زمینه کتاب یا

اعلامیه‌ای است که در چاپخانه وی به چاپ می‌رسد. رئیس دایره دولتی نیز مسئول سپردن امانت آثار چاپ شده دولتی آماده فروش و توزیع از طریق این دایره است. از طرف دیگر از نظر قانون مسؤلین ذکر شده موظفند قبل از توزیع و نشر مطبوعات نسبت به دریافت شماره امانت اقدام کنند تا برای ثبت روی جلد آماده باشد. در این مورد نیز به ماده ۶ از بند ۳ اشاره می‌شود که می‌گوید: مؤلف، مترجم، محقق، ناشر، تولیدکننده یا صاحب چاپخانه، در برابر تهیه شماره امانت‌گذاری مسئول هستند و می‌بایست برای اثر تألیفی یا در حکم آن، شماره ثبت در دایره امانات را کسب کنند. مرکز نیز موظف است نسبت به نگهداری آثار ثبت شده یا آنچه که در حکم آن است، دقت کند تا دلیلی باشد بر اثبات حق تألیف و تولید.

### توافق‌نامه‌های عمومی حقوق تألیف

اخیراً و با نظارت سازمان فرهنگی ملل متحد (یونسکو) همایش بین‌المللی پیرامون حقوق مؤلف در کشور ژنو و با مشارکت ۵۱ کشور برگزار شد. پس از بررسی‌های فراوان توافق‌نامه‌های جدید در تاریخ ۶ ايلول سال ۱۹۵۲ به تصویب اعضاء رسید و بعد از سه سال از امضاء آن به مرحله اجرا در آمد و به توافق‌نامه عمومی معروف شد. قابل ذکر است حدود بیش از ۸۰ کشور از جمله عراق به این توافق‌نامه پیوستند. کشور عراق در سال ۱۹۷۸ به عضویت آن در آمد. انگیزه اصلی از برپائی این توافق‌نامه ایجاد هماهنگی در این زمینه میان دولت‌های امضا کننده بود تا بتوانند مشکلات ناشی از توافق‌نامه برن را پشت سر بگذارند و امکان رسیدن به نظام بین‌الملل کارآمد فراهم شود تا عهده‌دار محترم شمردن حقوق فرد شود و بر شکوفائی فرهنگ و علوم و فنون اصرار ورزد و از آن حمایت کند، در تاریخ ۲۴ تموز سال ۱۹۷۱ در شهر پاریس در طی گردهمایی اولین تعدیل در توافق‌نامه به وقوع پیوست که متضمن هموار ساختن اموری مهمی در حمایت از کارهای شهروندان کشورهای معینی بود. به علاوه این تعدیل تسهیلاتی در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار داد. تا به این کار تشویق شوند. در این مورد در ماده ۵ اشاره شده است که هر دولتی معاهده نامه را امضاء کند، و در عداد کشورهای در حال توسعه باشد، بنا بر آنچه دستورالعمل جامعه عمومی ملل متحد است، می‌تواند به صورت کلی و جزئی از استثنائاتی بهره‌مند شود که به آنها تصریح شده است. به عنوان مثال حق ترجمه آثار مکتوب و تنظیم اوقات معین برای حمایت کردن آنها در جهت منافع همان کشورها، مانند تبدیل کردن زمان هفت ساله اجازه داده شده در جهت حمایت آن تألیف به زمان سه ساله، و در شرائطی که این عمل به موضوعی مانند ترجمه اثری وابسته باشد، از حالت عام خارج شده و امکان دارد مدت تعیین شده به یک سال تقلیل پیدا کند. اما نسبت به منبعی که سبب کم یا زیاد کردن مدت حمایت می‌شود، در ماده ۴ قانون اشاره شده و حکم کرده مدت حمایت مؤلف باید تابع قانون کشور طرف قرارداد باشد تا به نحوی که مطوب است، از آن حمایت بشود. به همین علت جایز نیست از کارهایی حمایت شود که

مشمول قانون حمایت کمتر از مدت زمان حیات مؤلف و آن بیست و پنج سال که پس از فوت او محاسبه شده است، باشد. کما اینکه جایز نیست مدت حمایت مورد اشاره کمتر از بیست و پنج سال از تاریخی نباشد. که برای اولین مرتبه به چاپ رسیده است. به استثنای کارهای فیلمبرداری و کارهایی که به فن سرگرمی و مشغولیات مربوط است. مشروط بر اینکه مدت حمایت از آنها کمتر از ده سال نباشد. با علم به اینکه کارهایی که مشمول حمایت قرار می‌گیرد، عبارتند از کارهای ادبی و علمی و فنی که بین آنها آثار مکتوب و کارهایی قرار دارند که به موسیقی و تأثر و سینما مربوطند. همچنین کارهایی که در زمینه عکس و نقاشی و منبت کاری هستند. راه‌های ایجاد ارتباط و تنظیم ملاقات میان کشورهای عضو جهت همکاری با این حقوق از جمله مسائلی بود که در مورد تعدیل مدت نظر قرار گرفته‌اند. در همین ارتباط در ماده ۱۵ توضیح داده شده است، هر گونه اختلافی که میان دو کشور امضا کننده توافق‌نامه یا بیش از آن در مورد تفسیر این توافق‌نامه به وجود بیاید و حل آن از طریق گفتگو و مذاکره ممکن نباشد، به دادگاه صالحه همان کشور عرضه می‌شود. تا در صورتی که کشورهای مربوط در مورد حل آن به طرق دیگر موافقت نکرده باشند، تصمیم نهایی از جانب دادگاه گرفته شود. از خلال آنچه گذشت، می‌توان گفت دو توافق‌نامه بین‌المللی عبارتند از توافق‌نامه عمومی سال ۱۹۵۲ و اصلاحات آن که به سال ۱۹۷۱ صورت گرفت. همچنین موافقت‌نامه برن، در واقع تشکیل دهندگان قانون جهانی حقوق تألیف هستند. زیرا احکام و قوانین آن در چارچوب همکاری با این حقوق و حمایت کردن از آن در زمینه بین‌المللی است.

۲- مؤسسه نمونه قانونگذاری حمایت از حقوق و حمایت از حقوق تألیف در کشورهای توسعه یافته: بنا به درخواست حکومت تونس و با مساعدت سازمان یونسکو و سازمان توافق‌نامه عمومی مربوط به حقوق تألیف گردهمایی توسط گروهی از متخصصین بین‌المللی در تونس به عمل آمد تا نسبت به جمع‌آوری و نوشتن مواد شبه قانونی در مورد حمایت از حقوق تألیف اقدام کند تا کشورهای توسعه یافته با کمک گرفتن از آن این حقوق را پاس بدارند. مدت زمانی که برای اجرای این طرح در نظر گرفته بودند، از تاریخ ۲۳ ماه عربی شباط تا ۲ آذار سال ۱۹۷۶ بوده است. شرکت‌کنندگان در این کار گروهی هیأت‌هایی بودند که به ۲۷ کشور آسیایی و آفریقائی و آمریکای لاتین و یوگوسلاوی تعلق داشتند. تمام تلاش آنها این بود که نسبت به وجود مؤسسه شبه قانونی حمایت از حقوق مؤلف سلسله اقداماتی را برای رسمیت شناختن آن انجام بدهند. بالأخره نیز موفق شدند سازمانی تحت عنوان مؤسسه نمونه قانونگذاری وابسته به حقوق مؤلف را تشکیل دهند. که با نگاه عام و سریعی به این لایحه می‌بینیم کارهایی که می‌توانند از حق حمایت برخوردار شوند، تقریباً همان‌هایی هستند که در دو توافق‌نامه دولتی قبلی معین شده بودند. از جمله شامل آثاری مانند نوشتجات، سخنرانی‌ها و همایش‌ها، خطاطی، عکس‌برداری، نقشه‌های جغرافیایی و نقشه‌های ساختمانی و راه‌سازی. اما درباره

آنچه به حقوق مالی تعلق می‌گیرد، در صورتی است که به امور زیر بپردازد: نسخه‌برداری از اثر، ترجمه یا اجراء هر نوع تغییر و عرضه آن به عامه مردم از طریق نمایش و یا پخش رادیویی. اما در زمینه حقوق ادبی توضیح داده شده مؤلف حق دارد اثری را که خلق کرده، منسوب به او کنند در موردی که شاهر جابه‌جائی یا مسخ شدن یا هر نوع ضرر دیگری باشد، می‌تواند اعتراض کند به خصوص اگر این تصرفات موجب لطمه خوردن به حیثیت و آبروی او باشد. در این صورت می‌تواند مطالبه خسارت و اعاده حیثیت کند. ماده ۱۵ قانون در نظر گرفته است برای جلوگیری از عدم رعایت این حقوق در کشورهای تصویب کننده این قانون می‌توان به تمام راه‌های قانونی متوسل شوند و در مدتی که مؤلف در قید حیات است و تا پنجاه سال بعد از وفات مؤلف نیز حمایت از این حقوق ادامه دارد. از سوی دیگر موضوع مصنفات فولکلوریک روزمره مورد توجه قانون بوده و در مورد حمایت از آن سفارش زیاد کرده است و همزمان مسئولیت حمایت را بر عهده مسؤولین کشور مورد نشر قرار داده است. در این میان بعضی از کشورها در ازاء این قانون مشکلات خود را اعلام کردند که مکزیکی یکی از این کشورها بود. این کشور از طریق رئیس گروه شرکت‌کننده در همایش فوق‌الذکر اعلام کرد این سازمان به دلیل در نظر نداشتن زیر بناهای اصلی مرتبط با استانداردهای دنیا در زمینه حمایت حقوق مؤلف هیچ تلاشی جهت خلاقیت فکری عرضه نکرده است زیرا آن موازنه مورد رضایت بین حقوق مؤلف و حقوق الناس اطلاع محقق نشده است. بلکه این سازمان می‌کوشید مصالح کسانی را تأمین کند که جهت استفاده از حاصل زحمات مؤلفین عمل می‌کنند. این اظهارات و نگرش‌های انتقادی در مقابل قانون تونس ممکن است در مثل چنین تجمعاتی و در ردیف چنین کارهایی طبیعی به نظر بیاید. این امر ناشی از تباین در آراء و اختلاف نظرهایی است که منشأ آنها به اختلافات و قوانین مملکتی (داخلی) کشورهای مورد نظر بر می‌گردد. مشکل بزرگتر در این امر پیرامون لزوم مراعات نظریه‌ها و آراء مختلف قانونی و قرار دادن آنها در یک عبارت واحد است. این همان چیزی است که همایش تونس برای رسیدن به آن تلاش کرد و به آن متوسل شد تا این قانون را در ردیف قوانین غیر الزام‌آور برای دولت‌های مورد نظر قرار دهد. بر این اساس تصویب شد دولت‌های توسعه یافته هنگام وضع قوانین مخصوص به حقوق تألیف از آن کمک بگیرند. به خصوص آن دسته از کشورهایی که در این زمینه قانون معینی در اختیار ندارند.

۳- توافق‌نامه‌های عربی در حمایت از حقوق مؤلف: بنا به اعتقاد کشورهای عربی وجود نظام عربی واحد در جهت حمایت از قوانین مؤلف که موافق با اوضاع فرهنگی آنها باشد، بدون اینکه اصطکاک با توافق‌نامه‌های بین‌المللی پیدا کند، ضروری است و می‌بایست تحقق پیدا کند. این اعتقاد سبب رسیدن به توافق‌نامه عربی حمایت از حقوق مؤلف شد که در سومین گردهمایی وزراء فرهنگ عرب در سال ۱۹۸۱ در بغداد به امضا رسید.<sup>۱۸</sup> شاخص‌های اصلی این توافق‌نامه عبارت‌اند از:



الف) تأکید بر حقوق ادبی و مالی متعلق به مؤلف بر طبق اساسنامه عمومی سابق الذکر (ب) همچنین است حال مجموعه‌های آثاری که مشمول حمایت هستند مانند، کتب و نمایشنامه‌ها و موسیقی و غیر آن.

ج) تأکید بر فولکلور ملی و به حساب آوردن آن در زمره مالکیت عمومی برای دولت‌های عضو که مبتکر در تعیین حدود سیادت آن بوده‌اند و فعالیت برای حمایت از آن به جمیع راه‌ها و مسائل قانونی و قرار دادن مراکز نظارتی ملی برای تشخیص صلاحیات مؤلف در مورد تصنیفات فولکلوری در زمینه روبرو شدن با تغییراتی در متن یا جابه‌جا کردن کلمات و استفاده تجاری بردن از آن.

د) در مورد مدتی که برای حمایت در نظر گرفته شده، همان مدت زمان حیات مؤلف و ۲۵ سال پس از فوت او است. اما در مورد کارهای فیلمبرداری این مدت ۱۰ سال است که از تاریخ انتشار آن شروع می‌شود.

ه) تجاوز به حقوق مؤلف جرم است و طبق قانون ملی مجازات در پی دارد.

و) این توافق‌نامه هیچ تأثیری در حقوق و تعهدات دولتی در رابطه با دولت‌های امضا کننده در قبال دیگران مطابق با توافق‌نامه‌های دولتی مختص به حمایت حق تألیف نخواهد داشت. قبول این توافق‌نامه بدون شک گام بلندی است که در راه تضمین حقوق اساسی نویسنده عربی و بزرگ کردن جایگاه او در فرهنگ ملی و قومی ملت عرب برداشته شده است.

۴- توافق‌نامه‌های دیگر (منطقه‌ای و طرفینی): از آن جمله است توافق‌نامه منطقه‌ای حمایت از حقوق مؤلف در قاره آمریکا که در سال ۱۹۰۲ در مکزیک منعقد شد و پس از آن در سال ۱۹۰۶ جزء توافق‌نامه (ریودوژانیزو) به شمار آمد، و در سال ۱۹۲۸ توافق‌نامه دیگری در هاوانا به امضا رسید که جانشین آن شد. همچنین توافق‌نامه واشنگتن که در سال ۱۹۴۶ منعقد شد. کلیه این توافق‌نامه‌ها صرفاً برای کشورهای قاره آمریکا بودند. و بالأخره از خلال آنچه تقدیم شد، نگارنده علاقمند است بر اهمیت بزرگی تأکید کند که این توافق‌نامه‌ها، اعم از بین‌المللی و منطقه‌ای، در حوزه حقوق تألیف از آن بهره‌مند هستند. به جهت اینکه نقش فعال و اساسی در تثبیت پایه‌ها و قواعد عمومی تنظیم شده در زمینه این حقوق دارا هستند، با وجود نظرات متباین و متناقض در بین طرف‌های درگیر از دولت‌ها یا سازمان‌ها یا مشابه آنها را، همگی بر اهمیت تأیید این حقوق متفق هستند بر توسعه راه‌های حمایت از آن به شکلی تأکید دارند که از نقطه نظر مصالح ملی و نیازهای متکامل انسانی در چارچوب فکر و اندیشه توافق کرده‌اند.

### حقوق تألیف در عرصه روزنامه‌نگاری

پس از بررسی عمومی حقوق تألیف و حمایت از مؤلفان، این سؤال به ذهن خطور می‌کند که نحوه تخصیص این حقوق به عرصه روزنامه‌نگاری چگونه است، قبل از پاسخ دادن به این سؤال ناچار هستیم اشاره کنیم قانون عراقی مورد بحث، درباره این موضوع به صورت آشکار و دقیق تعریفی بدست

نداده است. مگر در دو ماده ۱۵ و ۳۶ که درباره آنها بحث خواهیم کرد. به دلیل اهمیت بسیاری که مطبوعات و حقوق روزنامه‌نگاری در توسعه اجتماعی و فرهنگی دارد، بحث و بررسی آن ضروری و حیاتی است. به خصوص کسانی که در کشور عراق دارای مسئولیت اجتماعی می‌باشند، تفاوتی بین مؤلفین یا روزنامه‌نگاران یا افراد دیگر دارای پست و موقعیت نیست، باید این بحث را جدی بگیرند. قانون عراقی هیچ‌گونه تصریح یا تعریفی در مورد آثار مکتوبی که باید به سمت پذیرش قانون حمایت برونند، به دست نداده است تا بتوان با استفاده ضمنی از این تصریح روزنامه‌ها را نیز جزء آثار مکتوب به شمار آورد. بنا بر این آنچه در فصل سابق در مورد حرفه روزنامه‌نگاری توضیح دادیم، ناچار به تکرار مجدد هستیم نشریه، خواه روزنامه باشد یا مجله هفتگی یا ادواری، به همان خصوصیتی که دارد، شناخته می‌شود و به عنوان کار گروهی است که نتیجه تلاش‌های گوناگون نویسندگان و متخصصین و کلیه کارکنان هیأت تحریریه است یا به همکاری کسانی وابسته است که در بیرون از آن به نوشتن می‌پردازند. در حالی که نام خیلی از آنها برده نمی‌شود. اضافه بر آن در روزنامه موضوعات متنوعی در زمینه‌های گوناگون از قبیل اخبار و معلومات و نظریات که در پاره‌ای از اوقات با عکس و تصویر نیز همراه است. بنا بر این روزنامه عبارت است از اثر گروهی مطابق با آنچه در ماده ۲۷ به آن تصریح شده است بر طبق همین ماده، ناشر صاحب روزنامه یا مجله خواهد بود، خواه شخصیت حقوقی باشد یا حقیقی که در هر دو صورت صاحب حقوق تألیف در روزنامه به عنوان یک فرد مسؤول شناخته می‌شود و می‌تواند مستقیم و بر اساس قانون از آن استفاده کند.<sup>۱۹</sup> بنابر مفهوم فوق چنانچه روزنامه به عنوان اثر مکتوب تلقی شود، روزنامه‌نگار نیز به واسطه نوشتن و قلم زدن جزء مؤلفین به شمار می‌آید. هر ناظری که به دیده اعتبار به این موضوع بنگرد، متوجه تباین موجود میان حالت عمومی روزنامه‌نگار مبتدی می‌شود که در ازاء مبلغ معینی مطلب می‌نویسد و نویسنده حرفه‌ای که به دلیل وضعیت خاص شغلی خود اثری را خلق می‌کند یا ابتکار به خرج می‌دهد. بنا بر این آنچه در قوام و شرائط و درخواست‌های کار حرفه‌ای وجود دارد، باعث خواهد شد روزنامه‌نگار نسبت به آنچه می‌نویسد و منتشر می‌کند، احساس عدم وابستگی کند. لکن بدین معنی نیست که این روزنامه‌نگار در مورد عرضه اثرش به روزنامه به دلیل اینکه این نوع نوشته‌ها جزء تألیفات محسوب نمی‌شوند، به تردید بیفتد. از همان جا است که باید این نوشته منسوب به او بماند و با او باشد و با شخصیت او ارتباط داشته باشد. به خصوص در موضوعاتی که به نام نویسندگان آن انتشار می‌یابند، ماده ۱۵ از قانون در این زمینه به پژوهشی در مورد این حقوق در حیطة روزنامه‌نگاری پرداخته است و می‌نویسد. نقل روایات دنباله‌دار و داستان‌های کوتاه از نوشته‌های ادبی و فنی یا علمی که از طرف مؤلفین آنها به روزنامه‌ها و مجلات دوره‌ای برای چاپ و نشر سپرده می‌شود، مجاز نیست. مگر با اذعان صاحبان آنها. لکن انتشار مقالاتی که به بحث‌های اقتصادی یا علمی و سیاسی و دینی می‌پردازد که موجب مشغول کردن ذهن توده

مردم می‌شود، تا زمانی که به عدم پخش صریح آن در روزنامه‌ها تأکید نشده باشد، مانعی ندارد. و در صورتی که نقل آن بدون منع باشد، لازم است نام و مأخذ آن به صورت واضح ذکر شود. از طرف دیگر اخبار روزانه و حوادث مختلف که دارای خصوصیت اخبار عادی هستند و روزنامه‌ها به طور طبیعی آنها را چاپ و منتشر می‌کنند. مشمول حمایت مقررۀ در این قانون نخواهند بود. از خلال این ماده مشخص می‌شود قانونگذار عراقی سه مجموعه اصلی را که جزء موادی هستند که انتشار آنها در روزنامه مورد نظر هستند، مشخص کرده و ضمن مواردی آورده است که باید مورد حمایت قانونی قرار گیرند. آن موارد عبارت‌اند از:

۱- کارهای ادبی یا فنی یا علمی که تحت پوشش (اثر) قرار داشته باشند، مانند روایت یا قصه کوتاه یا تحقیق علمی که از طریق مؤلفین برای چاپ و نشر در اختیار مجلات و روزنامه‌های هفتگی و یا ماهنامه‌ها قرار می‌گیرند. زیرا در این صورت است که قانون حمایت از تألیفات آنها را تحت پوشش قرار خواهد داد و مجلات و هفته‌نامه‌های دیگر به تجدید چاپ آنها مجاز نیستند مگر با موافقت مؤلفین آنها. شاید دلیل اصلی آن در وجود خود این کارها نهفته باشد یعنی این‌ها آثار شخصی هستند که حکایت از معلومات و افکار مؤلفشان دارند.

۲- مقالات اختصاصی که به بحث‌های اقتصادی و سیاسی و دینی مربوطند و قانون اجازه نشر مجدد آنها را در روزنامه‌ها داده است. منتها شرط کرده است این مقاله‌ها باید دارای مسائلی باشد که برای عمومی مفید واقع شود. بدون اینکه در این مورد اشاره‌ای به موارد حصر شده باشد، ضرورت ذکر مصادر و مأخذها را بیان کرده است.

۳- اخبار، یکی از ارکان حیاتی هفته‌نامه‌ها و به خصوص در جراید صبح و عصر به شمار می‌رود. لذا این روزنامه‌ها سعی می‌کنند خبرها را منتشر کنند و آنها را دنبال کنند عادتاً نیز مضامین اخبار بر خصوصیت حادثه و موضوع آن و تلاش خبرنگار استوار است. تسریع امر نشر خبر میان مردم جزء رقابت‌های موجود میان روزنامه‌نگاران است. پس خبر در اینجا به مشابه ابزاری است که قوامش به ضبط شدن و سپس انتشار است و اساساً بر پایه مسائلی مانند ابتکار و پوشش‌های حمایتی آن تکیه نمی‌کند. بنا بر این انجام اعمال روزنامه‌نگاری باعث می‌شود خبر میان مردم اشاعه پیدا کند. پس چنانچه دچار دوگانگی بشود، نیاز به حمایت نیز از او برداشته خواهد شد. اضافه بر این سرعت پخش این اخبار میان مردم و رساندن خدمات در این عرصه می‌تواند ایفای نقش کند دامنه قانون عراقی نسبت به حمایت از اخبار عادی روزانه کوتاه است که متضمن پوشش دادن به صور مختلف تلاش‌های روزانه انسانها است. در حقیقت باید گفت نظر صحیح در این خصوص آن است که این گونه مواد که به عنوان گزیده اخبار روزنامه‌ای هستند، از حمایت قانونی مستثنی باشند. بنا بر این اخبار متداول معمولی که با برچسب اخبار روزنامه‌ای محض مشخص هستند مورد حمایت نیستند. همان طوری که

در معاهده برن چنین حکمی امضا شده است.<sup>۲۰</sup> افزون بر این با استناد به قواعد عمومی این حقوق، روزنامه می‌تواند اقدام به نشر آثاری کند که مشمول حمایت نیستند. به این علت که یا به موجب خصوصیت ویژه‌ای که متصف به آن است یا به واسطه اینکه مدت تعیین شده برای حمایت آن اثر به سر رسیده است. برای مثال قوانین و تشکیلات و احکام قضائی ماده ۶ که قبلاً ذکر شد و همچنین هر تالیفی که مدت حمایت آن سپری شده باشد. ماده ۲۰ همچنین روزنامه می‌تواند بدون اذن مؤلف به ترجمه هر کتابی اقدام کند که نویسنده آن نسبت به ترجمه‌اش به زبان عربی تساهل به خرج داده باشد. چه از سوی خودش چه توسط دیگری، و مدت سه سال از اولین تاریخ انتشار آن گذشته باشد. ماده ۹ در تکمیل آنچه ذکر شد، در آینده متعرض جوانب دیگر خواهیم شد که ضمن همین موضوع قرار دارد من عقیده دارم اشاره به آن به دلیل نقشی ضرورت دارد که در عملیات نشر دارا است و آن عبارت است از:

۱- نام روزنامه: در حقیقت اسم روزنامه عنوان آن است و سبب مایه فخر و مباهات است. به وسیله عنوان و نام است که می‌توان بعضی روزنامه‌ها را از بعضی دیگر تشخیص داد و خوانندگان را جذب کرد. بنا بر آنچه عادت است، تعابیر اسمی و به خصوص در روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های تخصصی که مطابق با موضوعات آن یا گرایش‌های فکری انتخاب می‌شوند، قانون عراقی عنایت بیشتری نشان داده است تا حمایت معینی برای اسم مذکور در نظر گرفته شود و امام قانون حمایت حقوق مؤلف که فعلاً موضوع بحث ما است، شامل عنوان مصنف (به صورت عموم) و حمایت از او است. البته در صورتی که مشخص باشد تحت پوشش ابتکاری قرار دارد (ماده ۳) و بر همین اساس پژوهشگر معتقد است حمایت قانون از اسم روزنامه نباید فقط منحصر به (مجرد) اسم باشد. بلکه باید شامل مجموعه تشکیل دهنده وجودی آن مانند خط، حروف، حجم و رنگ و حتی وضعیت آن از نظر عنوان‌های صفحه اول آن باشد. برای مثال مجله‌ای که مرتب در حال انتشار است، بنا به دلائل عدیده‌ای معقول نیست که در هر شماره نوع خطی که در آن به کار برده می‌شود، تغییر کند. بلکه از اهمیت خاصی برخوردار است که به جای تغییر از نوعی ثبات و استقرار دائم در زمینه تنظیم برخوردار باشد. در این مورد می‌توانیم به روزنامه *الأهرام* (قاهره) استشهد کنیم، که این اسم را مدت حدود ۹۰ سال پیش برای خود انتخاب کرده است و به خط ثلث در صدر روزنامه نوشته می‌شود و تا امروز نیز ادامه دارد و هیچ تغییری در آن داده نشده است. این خود باعث شده تا نزد خوانندگان نوعی اعتیاد و عادت به این روزنامه به وجود بیاید.<sup>۲۱</sup> بر این اساس و آنچه تقدیم شد، پژوهشگر باید نسبت به اسم روزنامه به طور رسمی و در حضور مسؤولین مربوطه اقرار کند و این امر باید مقارن با زمانی باشد که روزنامه اجازه صدور دریافت می‌کند و از نظر شکل و محتوا در وضع مناسبی قرار دارد. اگر چنین امری صورت پذیرفت، قانون حمایت حق مؤلف نیز شامل آن خواهد شد.

۲- ابزار دیگر روزنامه: این ابزار شامل انواع مقالات و ارکان ثابت در آنها و کلمات و اقوال ترجمه شده و نامه‌هایی است که برای هیأت تحریریه فرستاده می‌شوند و سایر نوشته‌هایی که به روزنامه ارسال می‌شوند. لکن مهمترین مسأله‌ای که وجود دارد، مشکلاتی است که در برابر هیأت تحریریه قرار می‌گیرد از حیث برخورد با مواد مختلفی که برای چاپ و نشر ارسال شده‌اند. به خصوص درباره آن دسته از مقالاتی که لازم است تحت بررسی کیفی و ویرایش قرار بگیرند تا در چارچوب مقررات مربوط به نشر با آنها رفتار شود. اکنون این سؤال پیش می‌آید حدود و دایره تعیین شده در ازاء این کارها تا چه اندازه است قبل شروع جواب این سؤال ناچار از گفتن این مطلب هستیم که این مواد به ضمیمه آن نامه‌هایی که به هیأت تحریریه ارسال شده و بنا به متقاضی قواعد عمومی مربوط به حقوق تألیف تحت حمایت قرار می‌گیرند. بنا بر این همکاری با آنها از اهمیت خاصی برخوردار است. قانون عراقی از محدود کردن این مسأله ضمن احکام صادره بحثی به میان نیاورده است بلکه توسط هیأت تحریریه در روزنامه‌های عراقی و بر طبق عرف و عادتی که در این زمینه وجود دارد، بعضی از تعدیلات در این مواد به اجرا در آمده است. به خصوص نسبت به آن مواردی که به سلامت تعبیر لغوی نزدیک است و بیان آن برای خواننده عادی با روشی ضرورت دارد که در تفکرات اصلی و بدنه موضوع تأثیری نداشته باشد. ضمن همین بیانات پروفیسور بوگدان میچالسکی استاد قوانین روزنامه‌نگاری دانشکده روزنامه‌نگاری وابسته به دانشگاه ورشو به قانون بولونی اشاره می‌کند و می‌گوید:

هر ماده‌ای که برای هیأت تحریریه ارسال می‌شود، بدون در نظر گرفتن هیأت آن تحت حمایت حقوق تألیف قرار می‌گیرد. اما هیأت تحریریه می‌تواند بدون اینکه موافقت مؤلف را جلب کند، نسبت به مواد مذکور تغییرات ضروری به عمل بیاورد. مانند اینکه عبارتی را کوتاه کند یا اینکه مطالب و موضوعات را دسته‌بندی کند. به شرط آنکه این عمل باعث اعتراض صاحب ماده نشود. مراد از اقدام به عملیات جابه‌جایی این است که ساختمان اصلی موضوع دستکاری نشود.<sup>۲۳</sup>

اما در مورد شاخص‌ها و چارچوب‌های ثابت و همیشگی در روزنامه‌ها و مجلات، که بستگی دارد به نحوه توافقی که میان رئیس تحریریه و نویسندگان برقرار می‌شود. در ضمن شامل اموری است که دربرگیرنده چگونگی چارچوب‌ها و طرز قرار دادن آنها در روزنامه و زمان مناسب برای نشر آنها در تمام این موارد مؤلف، که نویسنده مطلب است، حق دارد در این ماده تصرف کند. البته در همان مجله یا روزنامه که با آن همکاری می‌کند و نمی‌تواند این مطلب را به روزنامه دیگری منتقل و تقاضای چاپ آن را بکند. مگر اینکه قبلاً در این زمینه بین او و ناشر توافقی به عمل آمده باشد. مسأله دیگری که زیاد در مورد آن بحث می‌شود، نحوه تصرف در مواردی است که برای هیأت تحریریه ارسال می‌شود اما راهی برای چاپ آن وجود ندارد. در واقع می‌توان گفت دو روش برای برخورد با اینگونه مقالات وجود دارد. اول برگرداندن آنها به صاحبانشان، دوم نگهداری آنها در بایگانی مجله. لکن تحقیق نشان می‌دهد روش اول که عبارت است از برگرداندن ماده به صاحبش، صواب نزدیکتر است. زیرا از طرفی

نسبت به حمایت از حقوق وی تلاش شده است. در ثانی فرصتی در اختیارش قرار گرفته است تا نسبت به چاپ آن در روزنامه دیگری اقدام کند.

۳- تصاویر و نقاشی‌ها: در دنیای کنونی و در هر کجا که روزنامه‌ای منتشر می‌شود، عکس‌ها و تصاویر جایگاه مهمی در فعالیت‌های خبری پیدا می‌کنند و باید که در چاپ آنها دقت شود تا مطابق با موضوع مورد نظر باشند زیرا عبارتی که به چاپ می‌رسد، باید متناسب با عکسی باشد که در ارتباط با آن است در این مورد می‌توان از یک ضرب‌المثل چینی استفاده کرد که می‌گوید: یک عکس می‌تواند معادل هزار کلمه باشد<sup>۲۳</sup> پخش این عکس‌ها و نقاشی‌ها در روزنامه به صورت‌های اساسی زیر صورت می‌گیرد:<sup>۲۴</sup>

الف) تصاویر خبری

ب) تصویر تحقیقی روزنامه‌ای

ج) عکس تخصصی

د) عکس دارای موقعیت فنی و زیبایی

ه) نقاشی‌های کاریکاتوری

و) عکس تبلیغاتی

اما در مورد آنچه مربوط است به استفاده از این تصاویر برای اغراض خاصی که به چاپ و توزیع آنها مبادرت شده است. ماده ۳۶ قانون عراقی تصریح دارد هر کس در کار توزیع و نشر و چاپ تصاویر فعالیت می‌کند، نمی‌تواند بدون اذن صاحبان‌شان به پخش و انتشار اقدام کند. مگر اینکه قبلاً در این مورد با آنها توافق کرده باشد. اما پخش تصاویری که از حوادث علنی گرفته شده، از این حکم خارج است. همچنین پخش تصاویر مردان بزرگ و یا شخصیت‌های بارز علمی و یا مواردی که مسؤولین حکومتی برای رعایت مصالح عامه اجازه آن را داده باشند با همه این احوال چنانچه نمایش عکس آثار اجتماعی سوئی در پی داشته باشد، مانند اینکه نسبت به حیثیت و شرف شخصی فردی که تصویر او پخش شده لطمه وارد شود نمی‌توان از موارد استثنایی یاد شده استفاده کرد. اما در مورد شخصی که تصویر متعلق به او است. وی می‌تواند اجازه دهد این عکس در سایر مجلات و روزنامه‌ها به چاپ برسد. حتی اگر با مخالفت تصویربردار روبرو شود. مگر اینکه قبلاً در این زمینه توافقی میان آنها حاصل شده باشد. احکام یاد شده را می‌شود تسری داد به تصاویری که به هر طرفه‌ای مورد دستکاری قرار گرفته و کارهایی از قبیل روتوش و نقاشی و کنده کاری و یا هر کار دیگری روی آنها اعمال شده است. زیرا به معنای آن است که به روزنامه حق داده شده است بدون اذن صاحبان دارای موقعیت به انتشار عکس و تصویرهایی که نمونه آنها در زیر می‌آید، اقدام کند:

- تصاویر خبری مربوط به حوادث روز

- تصاویر مسؤولین حکومتی یا مدیرانی که کارهای خدماتی عمومی انجام می‌دهند

- تصاویر اشخاصی که طبیعت عمل آنها با افکار عمومی مردم سروکار دارد. مانند هنرمندان، شعرا و

روزنامه نگاران

- تصاویر دیگری که ممکن است اختصاصی باشند. و از جانب مسئولین حکومتی و در جهت مصلحت عامه مردم دستور چاپ آنها داده شده باشد. در تمام موارد ذکر شده بالا لازم است دقت شود تا نسبت به حیثیت شخص و موقعیت اجتماعی او اسائه ادب نشود.

۴- علائم و نشانه‌های روزنامه: غرض از علائم و نشانه گذاری در روزنامه عبارت از نوعی تعبیر واقعی و حقیقی از شکل و نشانه‌های فنی است که باعث می‌شود این روزنامه بیشتر مشخص شود بدین معنی که استخوان‌بندی روزنامه باید ساده و روان باشد. مثلاً کلمات و حروفی که در چاپ آن به کار می‌روند، رنگ، تقسیم‌بندی آن به ستون‌های مختلف، برش، و سایر موارد مشابهی که از علائم ممیزه آن هستند. بر طبق عادت برای موفقیت در این امور گروه‌های متشکل از کارگزاران فنی شاغل در روزنامه سهیم می‌باشند و عمل بعضی از آنها باعث کامل شدن عمل بعضی دیگر می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که این تلاش آنها را می‌توان در چارچوب اثر گروهی قرار دهیم. به همین دلیل است که این کار گروهی از حمایت قانون بهره‌مند خواهد شد. لکن وصول به این حق و بر طبق آنچه از ماده شماره ۷ قانون عراقی وارد شده است، باید از قبیل ناشر انجام پذیرد. زیرا توضیحی که در قانون داده شده، عبارت است از هر شخص حقیقی یا حقوقی که اثری را تصنیف نموده و مبتکر آن است، مؤلف به حساب می‌آید و ناشر می‌تواند از حقوق مؤلف بهره‌مند بشود. در این جا مسأله مهمی وجود دارد که عبارت است از اینکه این کار باید دارای علائم و آثاری باشد. که این امر نیز مستند است به ماده شماره ۱ از بند ۱ و ماده شماره ۲ از بند ۳ سابق الذکر از قانون عراقی حق مؤلف.

به هر حال روزنامه‌ها آئینه تمام‌نمایی هستند که می‌توان پیشرفت‌های جوامع را از طریق آنها به طور واضح مشاهده کرد. این پیشرفت‌ها شامل کارهای فنی یا حرفه‌ای یا قانونی است. بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت بیان کارهایی که سبب پیشرفت جامعه است، از نوعی علاقه و صمیمیت میان آن جامعه و روزنامه‌های آن نشأت می‌گیرد. همین امر سبب شده است روزنامه‌ها به عنوان انعکاس‌دهندگان حقیقی آراء و نظرات مردم شناخته شوند.

اما در مورد قوانین متعلق به روزنامه‌ها مبحثی است که هم اکنون می‌خواهم به آن بپردازم. در عراق از هنگام اعلام نظام جمهوری و در خلال سه مرحله قانون‌گذاری برای مطبوعات که در سال‌های ۱۹۶۳، ۱۹۶۴ و ۱۹۶۸ انجام گرفت، به این موضوع اشاره شده است و با علائمی که در زیر می‌آید، مشخص شده است:

۱- علامت وفاداری با هدف جبران ضرری که از ناحیه نشر واقع می‌شود. این امر از طریق استخدام روش‌های بررسی قبلی و مقررات اداری دیگر صورت می‌گیرد. در این مورد ناچار هستیم بگوئیم

قوانین یاد شده عبارتند از قدرت سلطه سیاسی و روش‌های آن در همکاری با قضایای فکر و نشر به طور عموم.

۲- قوانین ذکر شده فوق نسبت به قوانین مشابهی که در پناه حکومت پادشاهی کمترین فشار را بر روزنامه‌نگاران عراقی می‌آورد و بیشترین تمرکز را بر شئون حرفه‌ای آنها دارد. در خلال پیشرفت‌های تاریخی که در قانونگذاری‌های فوق به وجود آمده، می‌توان به قانون مطبوعات عراقی شماره ۳۰۶ مصوبه سال ۱۹۶۸ اشاره کرد و آن را از نوع قوانینی یاد کرد که بیشترین موضوع و بهترین نوع روشگری خود را در رابطه با طبیعت کار روزنامه‌نگاری و موقعیت آن در عراق آن روز به کار گرفته است. برای مثال به موارد زیر اشاره می‌شود:

الف) مجلات هفتگی و ماهنامه را به دو صنف عمده سیاسی و غیر سیاسی تقسیم کرده بود.  
ب) تأکید آن بر تنظیم امور مالی هفته نامه خاص به موجب محاسبات قانونی که با دقت بررسی شده باشد. زیرا با این کار راه‌های سوء استفاده بعضی از گروه‌ها و افراد بسته می‌شود و نمی‌توانند از روزنامه در جهت اغراض خاص خود بهره‌برداری کنند.

ج) تأکید بر این امر که توقیف هفته نامه سیاسی باید از جانب مجلس وزراء امضاء شده باشد و در کنار آن باید تأیید رهبران انقلاب وجود داشته باشد که به عنوان اعضاء برجسته سیاسی در عراق شناخته می‌شوند.  
د) در موارد مختلف قانون اهمیت قابلیت‌های علمی روزنامه‌نگارانی ذکر شده که موفق به اخذ مدارک علمی دانشگاهی در زمینه تخصصی مربوط به شئون روزنامه‌نگاری شده‌اند و سپردن مسئولیت‌های روزنامه به آنها.

ه) در پناه انطباق این قانون مسئله سانسور روزنامه‌ها که قبلاً اعمال می‌شد، در سال ۱۹۷۴ میلادی ملغی اعلام شد و به جای آن خود سانسوری جایگزین شد که این مسئولیت نیز به مدیران مسؤول روزنامه سپرده شد.

اما در رابطه حقوق تألیف پژوهشگر متوجه می‌شود برای مؤلف حق خاص وجود دارد که از دو عنصر ادبی [معنوی] و عنصر مالی [مادی] تشکیل شده است. از آنجائی که مالکیت شناخته شده نسبت به اشیاء به صاحبش حق می‌دهد تا از آن استفاده کند و ضمن مایملک خود قرار دهد، این توهیم را به وجود می‌آورد که مالک آن شیء شخصاً باید از منافع آن استفاده ببرد. لکن این موضوع در مسأله تألیفات و کارهای فکری و خلاقیت‌های ذهنی عموماً تفاوت دارد. زیرا در آنجا مؤلف آشکارا قصد انتشار و عرضه اثرش را اعلام می‌نماید، و در همان وقت برای دیگران حق استفاده از آن اثر فکری به وجود می‌آید، و در این صورت است که مؤلف نمی‌تواند استفاده کند از تألیفات خود را به شخص منحصر کند و منافع آن را شخصی کند. بلکه بر طبق نظریات عرضه شده در این گونه موارد حق مؤلف نسبت به طبیعت و خصوصیت موجود در آن سنجیده می‌شود. در حالی که ملکیت مألوفه و



شناخته شد، ابدی است و نه قابل اسقاط نه از بین رفتنی. بنا بر این بهتر است گفته شود مؤلف دارای حقی است از نوع خاص. به همین جهت ما فکر می‌کنیم قانون‌گذارانی که مسؤول تنظیم این حقوق هستند، باید نوعی هماهنگی بین حق مؤلف که حاصل فکر او است و اقتضای آن این است که دائماً منسوب به او باشد و از مزایای آن بهره‌بردار از یک طرف و بین حق جامعه در استفاده از محصول فکر او برای شکوفائی علوم و آداب و فنون از طرف دیگر برقرار کند.

ثالثاً: از ناحیه تشکیلات سازمانی و استعداد‌های حرفه‌ای:

در سال ۱۹۵۹ مجتمعی به نام جمعیت روزنامه‌نگاران در عراق شکل گرفت که به عنوان حرفه و کار ملی برای نسل‌های روزنامه‌هایی که مبارزات جدی و شدیدی را در جهت رسیدن به حقوق پیروان خودشان دنبال می‌کردند. تمام تلاش و کوشش این جمعیت ایجاد روابط دوستانه و همکاری با جمعیت‌ها و سازمان‌های مشابه خود در خارج متمرکز شده بود که ثمره آن پیشرفت کارهای گروهی در عراق و توسعه دادن افق‌های حرفه‌ی روزنامه‌نگاری و پرورش خبرنگارانی بود که در روزنامه کار می‌کردند. در تبادل نظام قانونی می‌توان گفت دومین جمعیت که در سال ۱۹۶۹ به وجود آمد، تلاش می‌کرد پاسخ‌گوی نیاز مبرم تنظیم شئون حرفه‌ای و مسائل اخلاقی آن باشد و نسبت به تنظیمات گروهی به صورتی بهتر از آنچه عمل کند که در قانون اول و در سال ۱۹۵۹ صادر شده بود. در قبال استعداد‌های حرفه‌ای ممکن است گفته شود تأسیس شعبه اطلاع‌رسانی در دانشگاه بغداد سهم بسزایی در این مورد داشته است که نتیجه زحمات کسانی بوده که در این راه فعالیت داشته‌اند. همچنین در به وجود آوردن گروه‌هایی از روزنامه‌نگاران پذیرفته شده و آماده کردن آنها بر طبق موازین جدید و پیشرفته تا به روش بالنده‌ای در فنون و علوم روزنامه‌نگاری برسند. این کار سبب شد آگاهی جدیدی در عرصه شغلی در کشور عراق به وجود بیاید. نتایج مثبت آن بعدها و هنگامی که فارغ التحصیلان این رشته در سال ۱۹۷۰ به چایگاه‌های حرفه‌ای خود در مؤسسات و خانه‌های روزنامه‌نگاران دست پیدا کردند، به ظهور رسید. و امروز به صورت تشکیل‌دهندگان پایه‌های مهم آن در آمده است و مسئولیت‌های رهبری آن را بر عهده گرفته‌اند.

### پی‌نوشت

۱. متن این قانون در کتاب *الصحافة العربية في فلسطين*، بیروت، مؤسسة الدراسات الفلسطينية، ۱۹۷۶، ص ۱۶۹-۱۷۱ آمده است. نیز مجله عراقی *القضاء* در یکی از شماره‌های سال ۱۹۴۸ متن ترجمه شده از زبان ترکی به عربی توسط شاعر معروف الرصافی را چاپ کرد (نگاه کنید به مجله *القضاء*، شماره ۲۰، کانون ثانی و آذار ۱۹۴۸، ص ۳۳-۳۹).
  ۲. نگاه کنید به متن قانون ضمیمه شماره (۳) و همچنین در مجله *الوقایع العراقية*، شماره ۱۹۷۵ و تاریخ ۱۹۷۱/۱/۲۱، بغداد.
  ۳. سهیل حسین الفتلاوی، *حقوق معنوی مؤلف در قانون عراقی*، انتشارات وزارت فرهنگ و فن‌آوری، بغداد، ۱۹۷۸، ص ۹.
4. Khalid omar, op. cit, p. 198..

۵. قانون تصنیفات عراقی، ماده ۳.

۶ این موارد در ماده ۶ همان قانون توضیح داده شده است.

۷. تصنیف در لغت عربی مصدر فعل صَنَّف است، و مراد از صنف عبارت است از قرار دادن چیزی که مشخص از دیگر چیزها باشد. اما در اصطلاح عبارت از هر تولید برخاسته از ابتکار و خلاقیت است در این صوت تحت حمایت قوانین عربی مختص به حقوق تألیف قرار می‌گیرد، برای نمونه رجوع شود به قانون حمایت حق مؤلف در مصر، شماره ۳۵۴ مربوط به سال ۱۹۵۴.

۸. ماده ۵.

۹. سهیل حسین الفتلاوی، ص ۱۹.

۱۰. فاضل عباس الملا، «حق مؤلف» مجله القضاء، شماره‌های ۳-۴.

۱۱. ماده ۲۰ از قانون مدنی عراق به شماره ۴۰ مربوط به سال ۱۹۵۱ تصریح نماید که: ۱- سرمایه معنوی آن چیزی است که به یک شی غیر مادی مانند حقوق مؤلف و مخترع و هنرمند اطلاق می‌شد. ۲- برای حقوق مؤلفین و مخترعین و هنرمندان و علائم تجاری و مانند آن که جز سرمایه‌های معنوی به حساب می‌آید احکام قانونی خاصی وجود دارد که به تبع قانون مؤلفین می‌باشد.

۱۲. قرارداد نشر جزء قراردادهایی است که طرفین به آن راضی هستند، یعنی عقد میان ناشر و نویسنده.

۱۳. مقدمه‌ای بر قانون، مصر، اسکندریه، ۱۹۶۹م، ص ۴۲۳.

۱۴. مراد از عبارت دین ممتاز این است که، در اولین فرصت باید نسبت به اداء آن اقدام شود، تا بر طبق ماده (۱۳۶۱) از قانون مدنی عراق که تصریح کرده است (۱- امتیاز: یعنی اولویت داشتن در بدست آوردن بدهی معین به جهت مراعات سبب این دین. ۲- برای ادای دین امتیاز خاصی وجود ندارد مگر به واسطه تصریح قانون). این موارد مطابق ماده ۴۷ قانون است.

۱۵. در ماده (۲۸۶) از قانون مجازات‌های عراقی به شماره ۱۱۱ مربوط به سال ۱۹۶۹ در مورد تزویر نوشته است که، تزویر (یعنی تغییر حقیقت به قصد غش در سند یا قرارداد یا هر نوشته دیگری به یکی از راه‌های مادی و یا معنوی که از نظر قانون باعث پیدایش ضرر به مصالح عمومی و یا فردی بشود).

۱۶. ماده (۵) متعلق است به هنرمندی که یک کار فنی را به عهده‌ای از مردم ارائه نماید، و ماده (۷) متعلق است به حق مؤلف بخاطر انتشار آثار خود و منافعی که از آن بدست می‌آید، و ماده (۸) تعلق می‌گیرد به حق مؤلف در بهره‌گیری از آثار خود که یا به صورت چاپ کردن باشد و یا پخش بشود و یا نمایش داده شود، و ماده (۹) چنین تصریح به ترجمه به عربی و عدم غش مترجم می‌کند.

۱۷. سهیل حسین الفتلاوی، ص ۲۹۸.

۱۸. در جمهوری بولونی که از توابع اروپای شرقی می‌باشد در مطبوعات مطابق با همین روش عمل می‌شود، بنا بر این بر طبق ماده شماره (۱۰) از قانون حق بولونی مصوبه سال ۱۹۵۲ مجلات دوره‌ای به عنوان عمل مشترک شناخته می‌شود، و حق التألیف مجله را به ناشر که به عنوان نماینده کل شناخته می‌شود پرداخت می‌نمایند.

19. Andrzej karpowicz. *Autor wydawca poradnik prava autorjskiego*, Warszawa 1987.p. 11.

۲۰. عبدالقنی ابوالعینین، *الخراج الصحفی*، قاهره، منشورات الاتحاد العالم للصحفین العرب، بی تا، ص ۴۳. لازم به ذکر است، *الاهرام* توسط دو لبنانی به نام‌های بشارة و سلیم تقلا در مصر در ۱۸۷۵م تأسیس شد. از ۱۹۸۴م در لندن به طور روزانه منتشر می‌شد.

21. Bogdan michalski, *dziennikarski obowiazek poszukiwianian prezedsjawniania prawdytechnicznen* 1, 1998. p. 4.

22. *International press institue, the pctive news room, zurich*, 1961.p. 95.

۲۳. برای اطلاع بیشتر از موضوع تنوع تصاویر روزنامه‌ای، رجوع شود به مجموعه تصاویر روزنامه‌ای، اثر عبد الطبار محمود علی، وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی بغداد ۱۹۸۰، ص ۳۵۲۰.

۲۴. مؤلف و قانون، عبدالجبار داود البصری، منشورات وزارت فرهنگ و اطلاعات بغداد، ۱۹۸۳، ص ۶۱

\* برگرفته از کتاب *تطور النظام الصحفی فی العراق*، وائل عزت رفعت البکری، بغداد، دار الشؤون، ۱۹۹۴، ص ۱۹۵-۲۲۵.